

نوع مقاله: ترویجی

نقش لذت‌طلبی فطری در کمال انسان از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی با استناد به آیات قرآن*


کلمه مهدی عابدی / دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

64mahdiabedi@gmail.com

orcid.org/0009-0006-4517-4735

mn@qabas.net

محمد نقیب‌زاده / استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۳

دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴

چکیده

از میان مباحث انسان‌شناسی، موضوع فطرت انسان و در مسائل فطرت، گرایش لذت‌طلبی نقش محوری در کمال آدمی دارد. از منظر علامه مصباح یزدی لذت‌طلبی پنج قلمرو حسی، خیالی، عقلی، وهمی و روحی دارد که هر کدام با تفاوت رتبه، در کمال انسان نقش‌آفرین هستند. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی تأثیر این پنج نوع گرایش در کمال انسان از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی می‌پردازد. در منظر معظم‌له گرایش به لذت حسی دو نقش در کمال انسان دارد: ۱. مثبت: که موجب آرامش او می‌شود؛ ۲. منفی: که مانعیت برای شکوفایی لذت‌های برتر انسان است. لذت خیالی، هم نقش زمینه‌ای برای تسلط شیطان بر انسان و هم نقش انگیزشی در رفتار انسان در دستیابی به کمال دارد. گرایش به لذت عقلی نیز سه نقش انگیزشی در تحصیل معرفت، و زمینه‌ای در ترجیح لذت‌های عالی، و نقش مدیریتی در هدایت لذت‌ها به سوی کمال انسان دارد. لذت وهمی عامل مؤثری در نشاط معنوی برای رسیدن به کمال برتر است و از طرفی مایه سلب آرامش نفس می‌شود. اما لذت‌طلبی روحی، دو نقش انگیزشی و مدیریتی برای رسیدن به کمال ایفا می‌کند، از سویی قوی‌ترین انگیزه برای دستیابی به کمال است و از جهتی لذت‌ها را در جهت شکوفایی استعداد لذت‌های اصیل، مدیریت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: لذت، لذت‌طلبی، لذت‌طلبی فطری، نقش لذت‌طلبی، کمال انسان، آیت‌الله مصباح یزدی.

مقدمه

مسئله فطرت انسان از مباحث مهم در انسان‌شناسی است و در مسائل فطرت، مسئله گرایش‌های انسان بسیار مورد توجه است. از میان گرایش‌های انسان، گرایش فطری انسان به لذت دارای اهمیت و تأثیرگذاری بسزایی است؛ که از نظر علامه مصباح یزدی، از یک‌طرف با محبت و از طرف دیگر با نیازهای انسان و از سویی با کمال و سعادت او مرتبط است. بنابراین میل به لذت یکی از امیال مهم انسان است که شناخت صحیح آن و تأثیری که در انگیزه‌ها و افعال و در نهایت کمال و سعادت انسان دارد، می‌تواند به جهت‌دهی و مدیریت رفتاری وی کمک فراوانی بکند و زندگی او را در مسیر صحیح هدایت کند.

در فهم عموم مردم، میان لذت طلبی و کمال، نوعی تعارض و ناسازگاری دیده می‌شود. مذمت و محدودیتی که از جانب قرآن و روایات نسبت به لذت‌طلبی انسان مطرح شده، این فهم عرفی را تأیید می‌کند و موجب این برداشت آنان می‌شود. از سویی چون این میل، فطری و خدادادی است و با حکمت الهی در وجود انسان قرار داده شده، این سؤال پیش می‌آید که آیا این میل فطری را چون خاوند از روی حکمت در وجود انسان قرار داده، می‌تواند عامل وصول وی به کمال باشد؟

سؤال دیگر، آیا گرایش انسان به لذت، محدود به لذت مادی و حسی است؟ از نظر آیت‌الله مصباح یزدی علاوه بر لذت مادی حسی، لذت‌های دیگری وجود دارد که برخی، از نوع خیالی و عقلی و برخی، از نوع وهمی و بعضی هم روحی و معنوی‌اند. سؤال دیگری که به ذهن می‌رسد اینکه آیا این پنج نوع لذت با هم سازگارند یا یکدیگر را نفی می‌کنند؟ آیا توجه و پاسخ به همه لذت‌های حسی و خیالی و عقلی و وهمی و روحی، در کنار هم امکان‌پذیر است؟ یا اینکه برخی از آنها برای برخی دیگر محدودیت ایجاد می‌کنند؟

با توجه به اینکه آیت‌الله مصباح یزدی مفسر و حکیمی برجسته است که با نگاه دقیق و عمیق خود، گام‌های بسیار مؤثری در ارائه معارف قرآن و مباحث انسان‌شناسی آن برداشته و دیدگاه ایشان در مسئله مورد تحقیق ما، برداشتی عالمانه و قابل اعتماد از قرآن و منابع دینی است؛ بنابراین کشف نظر ایشان درباره نقش لذت‌طلبی فطری در کمال انسان و یافتن مستندات قرآنی آن، که هدف ما در این مقاله است، بسیار حائز اهمیت است که با روش تحلیلی - توصیفی به آن می‌پردازیم. ما در این تحقیق با جست‌وجو در آثار فلسفی، قرآنی،

اخلاقی و اجتماعی ایشان مطالبی را که به‌صورت پراکنده و در برخی موارد به‌صورت غیرصریح و ضمنی در مورد لذت‌طلبی فطری انسان و نقش آن در کمال وجود داشت، به‌صورت منظم پردازش کرده و برداشت خود را از نظر ایشان بیان و به آیات قرآن مستند کردیم.

در جست‌وجوی پیشینه اثری که به طور خاص و عیناً به مسئله ما بپردازد، یافت نشد و آثار یافت‌شده به مقدمات مسئله مرتبط بودند که برخی از آنها مانند *فطرت در قرآن* (جوادی آملی، ۱۳۷۸)، در بخش مفهوم‌شناسی تحقیق پیش‌رو قابل استفاده است. بعضی از آنها به بررسی کمال نهایی و مصادیق آن، مانند *چیستی و مبانی کمال نهایی از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی* (جان‌نثاری، ۱۳۹۱) پرداخته‌اند؛ که به بخش مفاهیم مسئله مرتبط هستند. با توجه به اهمیت مسئله تحقیق ما و نداشتن پیشینه خاص و عدم تحقیق پیرامون آن، تحقیق و بررسی آن ضرورت می‌یابد.

در تحقیق حاضر ابتدا به شفاف‌سازی مفاهیم مهم و کلیدی مسئله می‌پردازیم و سپس به انواع لذت‌طلبی فطری پرداخته و در ادامه نقش لذت‌طلبی حسی و خیالی و عقلی و وهمی و روحی در کمال انسان به ترتیب در پنج محور جداگانه بررسی می‌کنیم.

۱. مفاهیم

۱-۱ نقش

نقش در کتب لغت فارسی به معانی: رنگ‌آمیزی کردن؛ اثری که روی زمین یا چیزی باقی مانده باشد (عمید، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۹۱۵)؛ تصویر، شکل، نوشته، سرشت و ذات، جنس (معین، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۴۷۸۹)؛ و... آمده است. در کتب لغت عربی این کلمه از ماده (ن - ق - ش) گرفته شده است که معانی متعددی برای آن ذکر شده که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: ۱. استخراج تمام و کمال چیزی (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۷۰)؛ ۲. استقصا (بررسی دقیق و تلاش کامل) برای کشف چیزی (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۲۱۳)؛ ۳. جست‌وجو کردن از چیزی (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۹۳۰).

مقصود از نقش در این مقاله، معنای دوم در لغت فارسی است که به معنای دوم عربی آن نزدیک است؛ چون یافتن اثر چیزی همان بررسی دقیق و تلاش کامل برای کشف آن اثر است. یعنی ما با بررسی دقیق و تلاش کامل در پی کشف اثری هستیم که گرایش لذت‌طلبی در کمال انسان دارد.

۱-۲. لذت

(فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۳۷۸) حصول غرض از هر چیزی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۲۶) مرتبه‌ای بعد از تمام اجزاء (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۰، ص ۱۲۵) آمده است، که معنای اصطلاحی با دو معنای اخیر تناسب دارد (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ص ۲۴). بنابراین منظور ما از کمال، به‌فعلیت رسیدن تمام استعداد‌های انسان است که موجب رسیدن به هدف از خلقت او می‌شود (ر.ک: همان، ص ۳۴).

۲. لذت و انواع آن

۲-۱. لذت

گفتیم که یکی از امیال فطری انسان لذت‌طلبی است که تمام اعمال انسان به‌نوعی متأثر از آن است و از این حیث می‌تواند نقش مهمی در سعادت یا شقاوت انسان داشته باشد. *آیت‌الله مصباح یزدی* در تعریف لذت می‌فرماید: لذت حالتی ادراکی یا روانی و نفسانی است که هنگام یافتن شیء دل‌خواهی برای انسان حاصل می‌شود (ر.ک: همان، ص ۸۷). ایشان لذت را امری تشکیکی و دارای مراتب مختلف می‌داند که مراتب آن با توجه به شدت و ضعف نیروی ادراک و میزان مطلوبیت آن چیز و میزان توجه انسان به آن شیء مطلوب، متفاوت می‌شود. در حقیقت محرک اصلی انسان در انجام کارها، رسیدن به لذت و گریز از درد و رنج است و هر کسی این را در درون خود می‌یابد (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۸۴-۸۶). آیات قرآن نیز بیانگر این حقیقت است که اولاً آدمی میل دارد برای همیشه در لذت و خوشی به‌سر برد؛ مانند آیاتی که بر خلود در بهشت تأکید دارند؛ ثانیاً، ارضاء این میل چیز نامطلوبی نیست (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۴الف، ص ۷۶). بنابراین چیزی که رسیدن به آن، لذت‌بخش است، مورد علاقه و محبت آدمی قرار می‌گیرد (همان، ص ۸۳).

علامه مصباح یزدی معتقد است که با دقت در مصادیق محبت‌ها و دوستی‌ها درمی‌یابیم که آن دوست داشتن‌ها به‌دلیل لذتی است که در محبوب خود درک می‌کنیم؛ پس محبت و لذت، لازم و ملزوم اند و تعلق دوستی و محبت ما به افراد و اشیاء به‌دلیل لذتی است که گاهی با حواس ظاهری پنج‌گانه و گاهی با حواس باطنی (حس مشترک، قوه خیال، قوه مفکره و قوه حافظه) درک می‌شود.

در نظر *آیت‌الله مصباح یزدی* وقتی انسان از چیزی لذت بُرد و در نتیجه آن را دوست داشت، می‌کوشد به‌نوعی با آن ارتباط برقرار

در فارسی به معانی گوارایی و خوشی و ادراک آن آمده است (عمید، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۷۱۶؛ معین، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۵۷۷). در کتب لغت عربی نیز به معانی طعم خوب چیزی (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۲۰۴)؛ ملایمت و سازگاری بین چیزی و طبع انسان (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۰، ص ۲۰۴)؛ و نقیض درد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۵۰۶) است. در اصطلاح فلسفی و انسان‌شناسی به معنای درک و نیل به ملائم با طبع انسان به‌کار رفته است، که با معنای سوم از معانی لغوی آن در فارسی و عربی که بیان شد، تناسب دارد (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۸۷). بنابراین مقصود از لذت در این مقاله آن چیزی است که خوشایند انسان و سازگار با طبع وی باشد و آن را مطلوب خود ببیند.

۱-۳. فطرت

فطرت از ماده «فَطَرَ» که در لغت به معنای شکافتن، ابداع و اختراع (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۵۱۰)؛ خلق بی‌سابقه (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۴۰)؛ آفرینش اولیه انسان (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۳، ص ۲۲۳) آمده است. و واژه فطره بر وزن «فِعْلَة» است که بر نوع ویژه‌ای از خلقت دلالت می‌کند. مقصود از واژه فطرت در این پژوهش، معنای عام، شامل اصطلاح خاص فطرت در انسان‌شناسی (که ویژه انسان به‌کار می‌رود) و شامل غریزه است که میان انسان و حیوان مشترک است. کاربرد فطرت به معنای عام آن در آثار گوناگون *آیت‌الله مصباح یزدی* مشاهده می‌شود؛ به عنوان مثال در بحث انواع محبت می‌فرماید: روشن‌ترین تجلی محبت فطری در مادر وجود دارد و نشانه‌اش این است که از دیدن و در آغوش گرفتن و نوازش کردن و پرستاری طفل خود لذت می‌برد و تحمل فراق و دوری او برایش سخت و دشوار است (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۷۲). همچنین می‌فرماید: علم و قدرت و محبت در عین اینکه ابعاد نفس انسان هستند از همان اول به‌طور فطری، هرچند به‌شکل ضعیف، جهت نامحدودی را نشان می‌دهند و ارتباطی با خدای متعال دارند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱الف، ص ۳۴)؛ در صورتی که قدرت و محبت در حیوانات هم هست و مخصوص انسان نیست.

۱-۴. کمال

کمال از ریشه «کمل» گرفته شده و به معنای: تمام بودن چیزی

لذایذ حسی و خیالی است، و در مرحله بعد در لذت وهمی، و در نهایت در امور روحی و معنوی به کار رفته است. بنابراین با توجه به مجرای ادراک لذت، اقسام لذت عبارت‌اند از: ۱. حسی؛ ۲. خیالی؛ ۳. عقلی؛ ۴. وهمی؛ ۵. معنوی و روحی (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۸۸). در اینجا، ذکر دو نکته لازم است که اولاً درک‌کننده لذت، نفس انسان است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۵)؛ ثانیاً همه لذت‌های انسان از ابتدا به صورت بالفعل قابل درک نیستند و به تدریج فعال می‌شوند؛ چون هر لذتی متناسب و ملائم با قوه خاصی است و قوای ادراکی تدریجاً در انسان بروز می‌یابند. پس انسان استعداد درک لذت‌ها را دارد؛ اما تا نیروی درک آن لذت‌ها در او شکوفا نگردیده آنها را درک نمی‌کند؛ هرچند می‌تواند از طریق حدس و یا با تحلیل عقلی و اقامه برهان، وجود آنها را اثبات کند. پس با عدم درک بالفعل یک لذت، نباید آن را انکار کرد. بنابراین انواع لذت را که خواهیم گفت در همه انسان‌ها به صورت بالقوه وجود دارد؛ اما به تدریج و با گذشت زمان فعال می‌شوند (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۸۶). در این تحقیق لذت براساس مجرای ادراک به پنج نوع تقسیم شده و در پنج محور به نقش آنها در کمال انسان پرداخته شده است.

۳. نقش لذت حسی در کمال انسان

از نظر ایشان لذت حسی حالتی است ادراکی که هنگام یافتن امور حسی و عینی دل‌خواه، برای ما حاصل می‌شود؛ که لذتی است مادی و به وسیله جسم و حواس ظاهری انسان محقق می‌شود و با بدن و حواس انسان ارتباط مستقیم دارد؛ مانند: لذت خوردن و آشامیدن، شنیدن، دیدن. از آنجاکه انسان موجودی مختار است، دارای قابلیت‌ها و لذت‌های بالقوه‌ای است که باید با اختیار خود آنها را شکوفا سازد و چون لذت‌های انسان به تدریج ظهور می‌کنند، در هر برهه‌ای لذت‌های خاصی برای او مطرح می‌گردد؛ مثلاً لذت جنسی که بعد از رسیدن انسان به بلوغ جنسی برای او قابل درک است. نکته اساسی این است که لذت‌های انسان فراتر از خصوص لذات حسی است؛ اما متأسفانه بسیاری از انسان‌ها، لذت‌های خویش را محدود به لذت‌های طبیعی و حسی‌ای که فعلاً برای آنها قابل درک است، می‌پندارند. قرآن در این باره می‌فرماید: «وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا...» (رعد: ۲۶)؛ یعنی کافران به زندگی دنیا شاد و در آن متوقف و غوطه‌ور شدند و به لذت‌های حسی مادی آن بسنده کردند. همان‌گونه که برخی از

کند و به تعبیر دیگر واجد آن شود؛ یعنی لازمه دوستی و محبت هر چیز، نزدیک شدن و تقرب به محبوب است (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۲-۲۴). از نظر ایشان می‌توان برداشت کرد که لذت علت محبت و محبت علت تقرب است و چیزی که انسان از آن لذت می‌برد محبوب او می‌شود و بعد از آن، انگیزه تقرب به آن برایش ایجاد می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت که یکی از نقش‌های لذت به طور کلی نقش انگیزشی در جهت‌دهی به اعمال انسان است. به سبب همین نقش است که از یک سو محور تلاش قرآن در جهت هدایت آن و از سوی دیگر محور تلاش شیطان و نفس اماره در جهت انحراف از آن است.

قرآن کریم یک سلسله از تعالیم خود را براساس میل طبیعی انسان به لذت مبتنی می‌سازد و در روش تربیتی خود از وجود آن بهره می‌برد. ایشان بیان می‌کند که از دید قرآن، وجود این گرایش فطری در انسان مفروض و مورد تأیید است و قرآن آن را در مسیر تربیتی صحیح انسان جهت می‌دهد. قرآن به انسان وعده می‌دهد که اگر در زندگی راه الهی را بیمایید، به لذت و سعادت جاودان می‌رسد: «وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (زخرف: ۷۱)؛ و او را تهدید می‌کند که اگر از این راه منحرف شود و از دستورات الهی سرپیچی کند، آینده‌ای تلخ و شقاوت‌بار در انتظارش خواهد بود و مبتلا به عذاب‌ها، رنج‌ها و بدبختی‌ها می‌شود (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۴ الف، ص ۱۶۱ و ۱۶۲). حاصل اینکه تمام وعده و وعیدهای الهی براساس همین میل فطری لذت‌طلبی انسان است. ایشان در ادامه می‌فرماید عوامل عصیان و تباهی انسان نیز در رابطه با لذت هستند؛ که عبارت‌اند از: ۱. لذت‌جویی از مظاهر دنیوی؛ ۲. آرایش لذت و تزیین گناه که از سوی شیطان است (آل عمران: ۱۴)؛ ۳. هوای نفس (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۴۹) و نفس اماره انسان که انسان را از تعالی و کمال انسانی محروم می‌کند (همان، ص ۱۳۸)؛ بنابراین لذت‌طلبی انسان، هم در هدایت و هم در گمراهی او مؤثر است.

۲-۲. انواع لذت

علامه مصباح یزدی در تعریف لذت می‌گوید: لذت از الفاظی است که در ابتدا در امور حسی به کار رفته؛ مثل لذت خوردن؛ سپس در لذت خیالی و بعد از آن در امور عقلی کاربرد یافته که بسیار برتر از

ترتیب لذت‌خواهیدن در شب و بهره‌مندی از ارتباط جنسی را برای آرامش انسان مطرح می‌کنند. بنابراین پرداختن در حد نیاز به لذت‌های حسی، باعث بقای انسان و آرامش و رفع خستگی و یکنواختی در زندگی دنیوی و ایجاد نشاط برای رسیدن به لذت‌های برتر عقلی و روحی می‌شود؛ و این نقش مهمی است که لذت‌های حسی برای رسیدن به کمال ایفا می‌کنند، که بدون آن، کمال انسان دست‌نیافتنی است. شاید از همین روست که قرآن کریم تحریم لذات حلال را ناروا دانسته و از آن نهی کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرُمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ» (مائده: ۸۸و۸۷). در این دو آیه، خداوند متعال پس از بازداشتن مؤمنان از حرام کردن نعمت‌های حلال و پاکیزه، به صورت مشخص بر لذت‌خوردن روزی حلال، تأکید می‌ورزد.

۳-۲. منفی

نقش منفی لذت‌های حسی، مانعیت برای تحصیل کمال است. از بیانات آیت‌الله مصباح یزدی در کتاب *اخلاق در قرآن* ایشان برداشت می‌شود که در رابطه با لذت‌های حسی و مادی چون ظهور و درک آنها پیش از لذت‌های دیگر برای انسان محقق می‌شود، انسان با آنها انس می‌گیرد و بعد از مدتی تعلقش به آنها شدت می‌یابد. علاوه بر آن، چون حصول لذت‌های دیگر مثل انس با خدا که لذت‌های اصیل و والای انسانی هستند، نیازمند تلاش و زحمت هستند، و این با لذت‌طلبی و راحت‌طلبی او سازگار نیست؛ بنابراین در لذت‌های حسی و مادی متمرکز و غرق می‌شود. در این زمینه آیات زیادی از قرآن کریم، مانند این آیات: «بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (اعلی: ۱۶ و ۱۷)؛ «تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ» (انفال: ۶۷) دلالت دارند بر اینکه انسان‌ها به حسب طبع‌شان طالب لذت‌های مادی و دنیوی هستند و با توجه به اینکه لذت‌های انسان متزاحم هستند و همه را با هم نمی‌توان استیفا کرد، اگر او لذت‌های بهتر را انتخاب نکند کاری دارای ارزشی منفی را انجام داده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴ الف، ص ۱۶۹). چون انسان دارای ظرفیتی محدود است و طوری آفریده شده که در این عالم نمی‌تواند از همه لذت‌ها یکجا استیفا کند و از همه آنچه قابلیت لذت‌بری دارند نمی‌تواند بهره‌مند شود؛ در نتیجه با پرداختن به لذت‌های حسی نمی‌تواند از

فلاسفه کمال انسان را در برخورداری بیشتر از لذت‌های مادی می‌دانند. این به معنای اصالت دادن به لذت‌های حسی و مادی است که انسان را غرق در لذت‌های حسی و غفلت از لذت‌های اصیل و بالاتر می‌کند (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۲۶-۳۱). با توجه به اینکه انسان دو بعد مادی و معنوی دارد و بعد روحی او اصیل است، کمال حقیقی او در تعالی روحی اوست. پس باید به لذت‌های حسی تا حدی که مانع رسیدن به کمال او نشود، توجه کند؛ خصوصاً در تزاحم آنها با لذت‌های دیگر؛ به‌ویژه لذت‌های عقلی و روحی. بنابراین لذت‌های مادی می‌توانند دو نقش مثبت و منفی برای رسیدن به کمال انسان داشته باشند.

۳-۱. مثبت

این نقش به بحث رابطه لذت و نیاز و حکمت وجود لذت و سیر تدریجی احساس لذت برمی‌گردد. استاد می‌فرماید اینکه چرا خداوند برای موجود مَدْرِكُ لذت قرار داده است، در پاسخ باید گفت: یکی از حکمت‌های لذت بردن این است که موجودات زنده و صاحب درک و شعور برای بقای خود نیازمند موادی هستند که باید آنها را جذب کنند و اگر پس از جذب آن مواد و تأمین نیازهای خود لذت نبرند، انگیزه‌ای برای تأمین آنها ندارند و در نتیجه نیازشان برطرف نمی‌شود. برای نمونه، اگر احساس گرسنگی و کمبود و رنج ناشی از آن و نیز لذت ناشی از رفع گرسنگی در ما نبود، چه بسا بسیاری از افراد فراموش می‌کردند که غذا بخورند و در نتیجه از بین می‌رفتند. اگر لذت‌های حیوانی نبود، زندگی انسان‌ها مختل می‌شد و آنان از فعالیت بازمی‌ایستادند؛ چون بسیاری از فعالیت‌های انسان برای تحصیل لذت حسی و دیگر لذت‌های حیوانی انجام می‌شود. به هر حال حکمت الهی درباره موجودی که کمبودها و نیازهایی دارد و لازم است به گونه‌ای درصدد رفع آنها برآید، ایجاب می‌کند که در آن موجود احساس رنج و ناراحتی از آن کمبود پدید آید و آنگاه وقتی درصدد تأمین نیاز خود و آنچه ملاتم با وجودش است برآمد، احساس لذت کند (همان، ص ۸۶).

آیات ۷۳ سوره «قصص»: «وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ لِتُبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» و ۲۱ سوره «روم»: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُفَكِّرُونَ»، به

لذت‌های دیگر که بادوام‌تر و بالارزش‌تر هستند، بهره‌مند شود و کم‌کم از آنها محروم می‌گردد (همان، ص ۱۶۶). بنابراین انسان با تبعیت از نفس اماره و شیطان و غرق شدن در لذت‌های حسی و مادی و اکتفا کردن به آنها از رسیدن به کمال و لذت‌های والای انسانی بازمی‌ماند. به همین علت است که یکی از عوامل مذمت لذت‌های حسی در قرآن، کوتاهی در شکوفا کردن استعداد درک لذت‌های والای انسانی و اکتفا کردن به لذت‌های طبیعی خودجوش است (ر.ک: همان، ص ۱۶۷).

۴. نقش لذت خیالی در کمال

لذت خیالی ادراکی است که در اثر یک صورت خیالی ملائم با نفس انسان برای او حاصل می‌شود. اگر لذت انسان ناشی از یک صورت خیالی باشد، معنایش این است که آن صورت خیالی با قوه خیال او ملایمت و سازش دارد؛ لذا از واجد شدن آن صورت خیالی هم لذت می‌برد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۹)؛ مانند شعر، نقاشی و تصویربرداری، مجسمه‌سازی و سایر جلوه‌های خیالی علاقه به جمال، که یکی از فروع و شاخه‌های لذت‌طلبی است (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۵۶). لذت خیالی از جهت ایجاد انگیزه برای رفتار انسان می‌تواند دو نقش مثبت و منفی در کمال انسان ایفا کند.

۴-۱. نقش مثبت

خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که همواره دنبال جلب منفعت، و دفع ضرر از خویش است و تا کاری را مطلوب تشخیص ندهد و خیر خود را در آن نبیند، به آن اقدام نمی‌کند. او اول به انجام دادن کاری که با طبع او سازگار نیست، اقدام نمی‌کند؛ مثلاً در شرایط عادی داروی تلخ و بدمزه نمی‌خورد. وقتی به آن اقدام می‌کند که نفعی در آن مشاهده کند؛ و گاهی لذت خیالی و یا نجات از رنج خیالی انگیزه اقدام او می‌شود. یعنی انسان به عملی انگیزه و محبت پیدا می‌کند که برای انجامش لذتی برای آن در نظرش باشد (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۰). برخی آیات را می‌توان ناظر به اثر مثبت لذت خیالی دانست؛ مانند: آیه ۷ سوره «حجرات»: «... وَ لَکِنَّ اللّٰهَ حَبِیْبٌ اِلَیْکُمْ الْاِیْمَانُ وَ زَیْنَةُ فِیْ قُلُوْبِکُمْ»؛ در این آیه زینت ایمان به قلب نسبت داده شده که مشعر به امری درونی، یعنی آراستگی درون مؤمن نسبت به ایمان است؛ یعنی خداوند ایمان را در قلب مؤمن

۴-۲. نقش منفی

لذت‌طلبی خیالی انسان عامل مهمی برای تسلط شیطان بر انسان و گمراه ساختن اوست. در توضیح این مطلب استاد مصباح یزدی می‌فرماید که در آیات متعددی به این نقش اشاره شده است؛ قرآن کریم یکی از عوامل عصیان و تباهی انسان را آرایش لذت و تزیین گناه از سوی شیطان بیان می‌کند که از طریق تصرف شیطان در خیال انسان و ایجاد لذت خیالی محقق می‌شود. شیطان لذت را در چشم انسان تزیین می‌کند و گذشته از واقعیت و حقیقت آن لذت، چنان آن لذت را در چشم انسان می‌آراید که انسان به آن گناه دست می‌یازد. خداوند درباره تزیین گناه و حرام به وسیله شیطان می‌فرماید: «زَیْنٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنینِ وَالْقَنَاطِیْرِ الْمُقْتَطَرَةِ مِنَ الدَّهَبِ وَالْفِیْضَةِ وَالْخَیْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْاَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِکَ مَتَاعُ الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَاللّٰهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاَبِ» (آل عمران: ۱۴). همچنین هوای نفس است؛ و نفس اماره انسان از راه همین گرایش انسان به لذت حسی، او را به تأمین لذت‌های پست و صرفاً خواسته‌های حیوانی وامی‌دارد و مانع می‌شود که انسان به تأمین و ارضای لذت‌هایی متعالی بپردازد و با سوءاستفاده از نعمت‌های الهی و عدم استفاده درست از آنها خود را از کمال انسانی محروم می‌سازد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۴۹). در بسیاری از موارد، انسان با لذت خیالی که در درون خود برای عملی تصور می‌کند به انجام آن اقدام می‌کند. موارد بسیاری انسان به هوای لذتی خیالی مرتکب گناه شده و از لذت حلال چشم پوشیده و پشیمان می‌شود؛ باین حال دوباره به سوی آن گناه کشیده می‌شود. این بدان جهت است که شیطان آن لذت را چنان در چشم انسان تزیین می‌کند که آن گناه را تکرار می‌کند (همان، ج ۱، ص ۱۳۸). بنابراین لذت خیالی نقش انگیزشی منفی برای افعال انسان دارد و با مدیریت صحیح می‌توان در جهت رسیدن به کمال آن را کنترل کرد.

۵. نقش لذت عقلی در کمال انسان

لذت عقلی حالتی ادراکی و نفسانی سازگار با نفس انسان است که از

اهداف دور و یا نزدیکی را نشان می‌دهند. براساس این حقیقت، قرآن نیز به انسان، که در طلب و جست‌وجوی زندگی لذت‌بخش و خالی از درد و رنج است، می‌آموزد که چنین زندگی فقط در آخرت و برای مؤمنان فراهم می‌شود؛ تا آنها را به سوی اهداف والا و عمیق انسانی سوق دهد و از لذات آنی و هوس‌های مادی لحظه‌ای رهایشان سازد. تعبیر «حیات طیبه» یعنی «زندگی خوش» است که قرآن می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷). خداوند در این آیه در حقیقت با طرح حیات طیبه، انسان را تشویق به ایمان و عمل صالح می‌کند تا این شایستگی را پیدا کند که خدای متعال حیات طیبه و زندگی خوش و پاکیزه را به وی عطا فرماید (مصباح یزدی، ۱۳۸۴ الف، ص ۱۶۴). آیه ۳۲ سوره «انعام»: «وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ لَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»، به نقش عقل و شناخت عقلی در مدیریت لذت‌های حسی مادی برای رسیدن به لذت‌های بالاتر اخروی اشاره می‌کند. یعنی اگر شما از شناخت عقلی خود بهره‌گیرید، از دنیا و لذت‌های آن به‌خاطر آخرت و لذت‌های آن، که خیر و برتر هستند، خواهید گذشت؛ و این نقش معرفت عقلی است که برای انسان لذت‌بخش است. بنابراین شناخت و معرفت، لذتی در پی دارد که به انسان انگیزه‌ای قوی برای رسیدن به آن می‌دهد و تحمل مشقات کسب آن را برایش آسان می‌کند. انسان با شناخت عقلی که برایش حاصل می‌شود، لذات حسی را مدیریت و هدایت می‌کند.

۵.۳ نقش زمینه‌ای در ترجیح لذت‌های عالی بر دیگر لذت‌ها
از دید آیت‌الله مصباح یزدی انسان دارای ظرفیتی محدود است و طوری آفریده نشده که در این عالم همه لذت‌ها را بتواند یکجا استیفا کند و از همه آنچه که قابلیت لذت‌بری دارند بتواند بهره‌مند شود. بنابراین او ناگزیر است که از میان آنها مقداری را که لذت‌بردن از آنها برایش ممکن است انتخاب کند. اکنون که پای‌گزینه‌ها و انتخاب به‌میان آمد، طبیعی است که عقل و منطق اقتضا می‌کند، از میان لذت‌های مختلف، بهترین و پایدارترین لذت‌ها را ترجیح می‌دهد (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۴ الف، ص ۱۶۶).

عقل در مقام مقایسه بین خواسته‌ها، دو ملاک فطری برای ترجیح پاره‌ای از خواسته‌ها بر دیگر خواسته‌ها دارد: ملاک اول مربوط به دوام و پایداری لذت است که براساس آن، عقل خواسته‌ای را که

کشف یک مجهول و رسیدن به راه‌حل مسئله‌ای و به‌طور کلی از دستیابی به شناخت و فراگیری معارف، برای انسان پدید می‌آید (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۸۴). سه نقش برای لذت‌های عقلی در جهت رسیدن به کمال، می‌توان بیان کرد.

۵.۱ نقش انگیزشی

از دید ایشان یکی از جلوه‌های کمال‌خواهی انسان و یکی از ابعاد نفس او، حقیقت‌جویی و علم‌دوستی است و انسان چون حب نفس دارد و خودش را دوست می‌دارد، این بعد از وجود خود، یعنی علم و آگاهی را نیز دوست می‌دارد. محبت او نسبت به علم حاکی از لذتی عقلی است که به‌همراه دارد و زمینه حصول کمالش می‌شود (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۴ الف، ص ۵۰). این لذت، انگیزه‌ای قوی برای تحصیل معرفت و در نتیجه رهایی انسان از تاریکی جهل به روشنایی علم و معرفت می‌باشد، که خود مرتبه‌ای از کمال است که لذت خاص خود، که به‌مراتب از لذت حسی بالاتر است را به‌دنبال دارد (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۸۹). آیات متعددی در این‌باره می‌توان ذکر کرد؛ از جمله: «فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتِيَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَ عَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَيْكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُسُلًا قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا وَ كَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا قَالَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَ لَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا» (کهف: ۶۵-۶۹)؛ که در مورد مصاحبت حضرت موسی علیه السلام برای آموختن علم با حضرت خضر علیه السلام است. در این آیات تحصیل علم برای حضرت موسی مشروط به صبر او شده است؛ چون انسان تمام کارهایش را برای کسب لذت انجام می‌دهد. در اینجا انگیزه حضرت موسی برای تحمل رنج و صبر، رسیدن به لذت عقلی‌ای است که از تحصیل علم و کشف حقایق برای او حاصل می‌شود.

۵.۲ نقش مدیریتی

این علم و آگاهی است که به انگیزه‌ها و تمایلات فطری جهت می‌دهد و موجب خیزش و بیداری و رشد و باروری و شکوفایی آنها خواهد شد. علامه مصباح یزدی درباره این نقش بیان می‌کند که تمایلات فطری انسان تحت تأثیر درجات شناخت و معرفت شکل پیدا می‌کنند و تحت تأثیر کمی و زیادی و سطحی یا عمیق بودن و کمیت و کیفیت علم و شناختی که داریم، انقباض و انبساط پیدا می‌کنند و یا

معانی غیر محسوس موجود در محسوسات جزئیه را درک می‌کند؛ مانند عداوت، ترس، محبت، عاطفه. مثلاً طفلی خردسال محبت مادر خود را (به‌وسیله قوه واهمه) درک می‌کند. لذت وهمی دو نقش مثبت و منفی در کمال دارد که به آنها می‌پردازیم:

۱-۶ نقش مثبت (زمینه برای دریافت کمالات بیشتر)

آنچه از بیانات متعدد استاد برداشت می‌شود این است که درک و مشاهده جلوه الهی، مقامی بسیار متعالی است که در این عالم برای هر کسی حاصل نمی‌شود و اگر کسی به آن مقام رفیع برسد و در حالت مکاشفه جلوه‌ای از تجلیات الهی را شهود کند، باید در خیال خود و با توهّم، آن حالت را برای خویش نگاه دارد. در این باره امام سجاد^ع در مناجات محبین می‌فرماید: «وما ألقى المسير اليك بالأوهام في مسالك القيوب»؛ چقدر لذت بخش است که انسان با گام‌های توهّم در مسیر قرب به خداوند حرکت کند. یعنی وقتی برای لحظه‌ای توفیق مشاهده جلوه الهی برای انسان حاصل شود، انسان برای بقای خاطره آن حالت، پرتوی از آن حالت را در خود باقی نگاه می‌دارد. زنده داشتن آن حالت و لحظه درک جلوه الهی، به مثابه سیر با قدم توهّم در مسیر قرب الهی تلقی شده است؛ زیرا زنده نگه داشتن خاطره و صورت وهمی آن حالت، قدردانی از آن توفیق بزرگ الهی است و موجب می‌شود که روح انسان، آماده دریافت تجلیات دیگر الهی باشد. این نگهداری سایه شهود نیز موجب استحکام ارتباط انسان با خدا می‌شود. از این رو عاشق اگر در طول سال، تنها یک‌بار به دیدار معشوق خود نائل شود، در دیگر روزهای سال با تصور معشوق به سر می‌برد و این تصور به او امید و نشاط و لذت می‌بخشد. در واقع، عاشق با تصور معشوق زندگی می‌کند؛ که اگر آن را نمی‌داشت، از غصه می‌میرد؛ زیرا تصور معشوق به زندگی او معنا می‌دهد و بدون آن، زندگی برای او لذتی ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۶۳). بنابراین لذت وهمی شهود تجلیات الهی موجب استمرار و استحکام ارتباط با خداوند و ایجاد زمینه برای رسیدن به کمالات بیشتر انسان می‌گردد.

۲-۶ نقش منفی (ایجاد مزاحمت برای نفس در رسیدن به کمال)

در مقابل نقش مثبت، از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی این نکته قابل بیان است که واهمه می‌تواند نقش منفی‌ای نیز ایفا کند و آن، مزاحمت برای درک کمال انسانی است. در این باره علامه طباطبائی

لذتش بادوام‌تر است بر خواسته کم‌دوام‌تر، ترجیح می‌دهد؛ ملاک دوم مربوط به شدت لذت خواسته است و بر این اساس اگر دو لذت از نظر زمان یکسان بودند، اما یکی شدیدتر بود؛ عقل حکم می‌کند که لذت شدیدتر بر لذت ضعیف‌تر ترجیح داده شود. قرآن در برخی آیات این حقیقت را بیان می‌کند؛ مانند آیات مربوط به ایثار که برخی افراد برای رسیدن به کمالات بالاتر، از برخی خواسته‌های مادی می‌گذرند (آیات ۸ و ۹ انسان؛ حشر: ۹)؛ یا آیه ۱۸ سوره «اعلی» که می‌فرماید: «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى»؛ یعنی لذت‌های آخرت هم از لذت‌های دنیوی بهتر است و مانند لذت‌های دنیوی با آفت، خستگی و رنج همراه نیست، و هم ماندگارتر از نعمت‌های دنیوی است. بنابراین اگر تراحمی بین نعمت و لذت دنیوی و اخروی وجود نداشت و امکان جمع بین آن دو میسر گشت، عقل حکم می‌کند که انسان هر دو را فراهم آورد؛ اما به هنگام تراحم لذت دنیوی با لذت اخروی، عقل حکم می‌کند که انسان لذت بی‌نهایت اخروی را بر لذت فانی و زودگذر دنیوی ترجیح دهد و به هوای رسیدن به لذت دنیوی، لذت ابدی اخروی را از دست ندهد. استاد معتقد است که انسان از طریق عقل به تراحم برخی از لذت‌های دنیوی با لذت‌های اخروی و ترجیح آنها پی می‌برد و عقل در مقام مقایسه بین لذت‌های حسی و لذت‌های روحی، لذت‌های روحی را ترجیح می‌دهد و گزینش لذت‌های برتر را بهتر و شایسته‌تر می‌داند و انسان را وادار می‌کند که از لذت‌های پست چشم‌پوشد؛ و این همان نقش زمینه‌ای لذت عقلی برای رسیدن به کمال است (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۵۰).

۶. نقش لذت وهمی در کمال

واهمه، قوه مستقلی نیست؛ بلکه ترکیبی از چند ادراک است که معانی جزئی را که از علم حضوری گرفته می‌شود، درک می‌کند. بنابراین لذت وهمی نیز درک لذت‌های حضوری است که انسان درک می‌کند؛ مانند محبت و امثال آن، که از کیفیات نفسانی بوده و با علم حضوری، معلوم ما هستند و ذهن از این معلومات حضوری معانی جزئی‌ای را نظیر صور خیالی انتزاع می‌کند و پس از زوال آنها، دوباره آنها را به یاد می‌آورد و اما معانی جزئی‌ای که ما در حیوانات و انسان‌های دیگر درک می‌کنیم، در حقیقت همان معانی‌ای هستند که ما از حالات نفسانی خود گرفته‌ایم (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۱۲ و ۱۱۸-۱۱۶؛ همو، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۸۴). می‌توان گفت که واهمه

فطری انسان، دورویه هستند و هریک از آنها یک‌جهت اثباتی دارند و یک‌جهت نفی، و انسان نسبت به لذت و خوش‌گذرانی گرایش مثبت و نسبت به رنج و سختی گرایش منفی دارد؛ در سوره «فاطر» آیات ۳۳-۳۵: «جَنَّتْ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَ لِبَاسَهُمْ فِيهَا خَرِيرٌ وَ قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ»، بیان می‌کند که پاداش مؤمنان بهشتی بدون غم و اندوه است و در آن هیچ رنج و خستگی به آنها نرسد و لذت محض دائمی برای انسان در پی دارد؛ برخلاف لذت‌های دنیوی و مادی که همراه با سختی و مرارت‌هاست. این آیات از نقش انگیزشی و تربیتی گرایش فطری انسان به لذت در جهت کمال انسان بهره برده‌اند. بنابراین لذت‌های معنوی فطری زمینه رسیدن به کمالات اصیل انسانی را فراهم می‌کنند. از نظر آیت‌الله مصباح یزدی لذت روحی انگیزه رسیدن به کمالات بالاتر انسانی را برای انسان فراهم می‌آورند؛ بنابراین توجه به لذت‌های بهتر و بادوام‌تر، انگیزه‌ای نیرومندی است که می‌تواند انسان را به تحمل رنج‌های کوچک‌تر و گذشتن از لذت‌های پست‌تر وادار سازد. از این رو لذت‌گرایی که آدمی را به منجلاّب گناه و معصیت و دنیاپرستی می‌کشاند، اگر در واقع به درستی هدایت شود و تحت تأثیر شناخت کافی و عمیق از انسان و هستی جهت صحیح خود را بیابد و اهداف و لذت‌های نهایی و پراج و منزلت را نشانه رود، مؤثرترین و مفیدترین نقش تربیت انسانی را در جهت کمال او ایفا خواهد کرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۴ الف، ص ۱۷۲).

۷-۲. نقش مدیریت و شکوفایی گرایش‌های انسان

لذت‌های اصیل روحی برای تأمین کمالات معنوی و شناخت هدف نهایی خلقت و رسیدن به کمال نهایی انسان در نظر گرفته شده‌اند؛ که خواسته‌های آنها نامحدود است و شعاع‌شان به‌سوی بی‌نهایت امتداد دارد و هیچ کدام از آنها حدودمرزی نمی‌شناسد و همه آنها انسان را به‌سوی بی‌نهایت سوق می‌دهند. این از خصایص انسان است که دارای خواسته‌های نامحدود است و به کامیابی‌های موقت و محدود قانع نمی‌شود. بی‌نهایت بودن خواسته‌های فطری انسانی یکی از مهم‌ترین اختلافات اساسی انسان و حیوان به‌شمار می‌رود (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۹۷). بخشی از امیال انسان هیچ‌گاه

در تفسیر آیه ۲۶۰ سوره «بقره» در توضیح عبارت «لِيَطْمَئِنُّ قَلْبِي» به‌طور خلاصه کیفیت عمل واهمه انسان را بیان می‌کند و می‌فرماید: مطلوب حضرت ابراهیم علیه السلام از این درخواست به‌دست آوردن مطلق اطمینان و ریشه‌کن کردن منشأ همه خطورها و وسوسه‌های قلبی از قلب است؛ چون حس واهمه در ادراکات جزئی و احکام این ادراکات جزئی، تنها بر حس ظاهری تکیه دارد، و احکام خود را صادر می‌کند؛ بدون اینکه آنها را به عقل ارجاع دهد؛ و اصلاً از پذیرفتن راهنمایی‌های عقل امتناع می‌کند؛ هرچند که نفس آدمی ایمان و یقین به گفته‌های عقل داشته باشد؛ نظیر احکام کلی عقلی در مورد مسائل ماوراءالطبیعه، و غایب از حس، که هرچند از نظر عقل، حق و مستدل باشد. بنابراین همیشه وجود خطورهای نفسانی موهوم و منافی با عقاید یقینی، منافاتی باایمان و تصدیق ندارد؛ و فقط مایه آزار و دردسر نفس می‌شود و سکون و آرامش را از نفس انسان سلب می‌کند. این‌گونه خطورها جز از راه مشاهده و حس برطرف نمی‌شود (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۳۷۳). این ایجاد مزاحمت را می‌توان نقش منفی لذت واهی در رسیدن به کمال بالاتر دانست.

۷. نقش لذت روحی در کمال انسان

لذت روحی حالتی ادراکی است که هنگام رسیدن به امور روحی و معنوی دلخواه، مانند لذت عبادت و گفت‌وگو با خداوند، برای انسان حاصل می‌شود. از بین انواع لذت‌ها (حسی، عقلی، فطری) لذت روحی از لحاظ کیفیت بهترین لذت‌ها و از لحاظ کمیت پایدارترین آنهاست. آن‌گونه که خداوند در آیه ۱۷ سوره «علی» «وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى» به آن اشاره کرده و در آیات بعدی (۱۸ و ۱۹) «إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى» است؛ می‌فرماید این مطلب در کتب آسمانی دیگر و صحف حضرت ابراهیم و موسی نیز برای انسان‌ها بیان شده است. یعنی یک اصل ثابت در همه ادیان آسمانی و برای همه انسان‌هاست که فطرت انسان‌ها آن را تأیید می‌کند که تلاش انسان باید در جهت لذت‌های روحی و معنوی باشد و آنها را اصیل و مقدم بر تمامی لذت‌ها بداند. لذت روحی در کمال انسانی دو نقش مثبت دارد که به آنها اشاره می‌کنیم.

۷-۱. نقش انگیزشی

قرآن کریم با توجه به اینکه لذت‌طلبی مانند دیگر گرایش‌های

کاستی در او وجود ندارد و مبدأ و منتهای هستی است؛ تنها او اصالت دارد و سایر موجودات و از جمله وجود ما، طفیلی و عین تعلق و ربط به اوست (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۹۴).

امیال فطری انسان که از انسانیت سرچشمه می‌گیرند و مقتضای فعلیت اخیر و صورت نوعیه او هستند، همگی او را به سوی بی‌نهایت سوق می‌دهند و ارضای کامل آنها جز با رسیدن به مقام قرب الهی و پیوستن به جهان ابدی میسر نیست (همان، ص ۱۰۴). بنابراین لذت روحی انسان با جهت‌دهی صحیح به لذت‌های دیگر، موجب شکوفایی آنها به‌عنوان کمال مقدمی برای لذت‌های اصیل روحی می‌گردد. یعنی هم استعداد لذت‌های مقدمی را شکوفا می‌کند و هم زمینه شکوفایی استعداد لذت‌های اصیل را فراهم می‌کند.

نتیجه‌گیری

۱. لذت حسی دو نقش در کمال انسان ایفا می‌کند: الف) نقش مثبت: ایجاد انگیزه برای تأمین نیازهای انسان و در نتیجه بقای وجود او می‌شود. از طرفی پرداختن صحیح و در حد نیاز به لذت‌های حسی، باعث آرامش و رفع خستگی و یکنواختی در زندگی دنیوی و ایجاد نشاط برای رسیدن به لذت‌های برتر می‌شود. ب) نقش منفی: اکتفا و غرق شدن در لذت حسی بزرگ‌ترین مانع برای شکوفایی استعداد درک لذت‌های والای انسانی و دستیابی انسان به کمال است.

۲. لذت خیالی دو نقش در کمال انسان ایفا می‌کنند: الف) نقش مثبت (نقش انگیزشی مثبت در افعال انسان): لذت خیالی از طریق ایجاد انگیزه برای رفتارهای شایسته انسان می‌تواند زمینه‌ساز خوبی برای کمال انسان باشد.

ب) نقش منفی: لذت خیالی انسان عامل مهمی برای تسلط شیطان بر انسان و گمراه ساختن او، از طریق آرایش لذت و تزیین گناه است.

۳. لذت عقلی سه نقش در کمال انسان دارد: الف) نقش انگیزشی: عامل تحصیل معرفت و ایجاد انگیزه برای درک‌های بیشتر و شناخت حقایق هستی و در پایان شناخت خداوند و صفات و افعال او که زمینه و شرط لازم برای اختیار و گزینش و رسیدن انسان به کمال است.

ب) نقش مدیریتی: مانع شدن از توجه بیش‌ازحد انسان به لذت‌های حسی و مادی و سوق دادن انسان برای درک لذت‌های عالی روحی.

فروکش نمی‌کنند و همواره در انسان فعال باقی می‌مانند و رفته‌رفته شدیدتر نیز می‌گردند. این امیال اصیل از انسانیت و فعلیت اخیر انسان نشئت می‌گیرند و خواسته‌های اصیل و دائمی انسانی را دنبال می‌کنند (ر.ک: همان، ص ۵۹).

قرآن کریم در آیات متعددی به محدود بودن دنیا و بی‌نهایت بودن آخرت اشاره دارد که انسان به حسب طبع مادی خود به زندگی دنیای مادی گرایش دارد و آن را بر آخرت ترجیح می‌دهد. سپس متذکر می‌شود که این کار اشتباه است و این زندگی آخرت است که بر زندگی دنیا ترجیح دارد: «بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَ أَبْقَى» (اعلی: ۱۶-۱۷). در این آیه اشاره شده به اینکه زندگی آخرت «أَبْقَى، یعنی پایدارتر» است (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۵). به بیان دیگر، چیزی برای ما لذت بخش است که مطلوب ما باشد و شکی نیست که شعاع و خواسته‌های ما نامحدود است که در این دنیا و با امکانات محدودی که در اختیار ما نهاده شده، تأمین نخواهد شد. حال اگر موجودی برخوردار از علم و قدرت بی‌نهایت بود که در پرتو تقرب و اتصال به او ما را نیز سرشار از آن دو صفت می‌سازد، او باید بالاترین مطلوب ما باشد.

آیت‌الله مصباح یزدی می‌فرماید انسانی که به مقام قرب حقیقی می‌رسد و برای خود هیچ استقلالی نمی‌یابد، دیگر چشم او چشم خدایی، گوش او گوش خدایی و اراده او نیز خدایی می‌شود. هر علم و لذت و کمال و بهجت و سروری آنجاست. اینکه آدمی به دنبال لذت و خوشی و سعادت می‌گردد، در واقع دنبال همان مقام می‌گردد؛ پس آن مقام، هم کمال است و هم محو و فناشدن استقلال‌های پنداری! او می‌یابد که از خود، هیچ ندارد و این مقام همان مقام قرب است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۰).

موجودی که دارای همه صفات جمال و کمال نامحدود و مبدأ و منشأ همه کمالات و فضایل است، از هر کس به انسان نزدیک‌تر است همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «وَتَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق: ۱۶). موجودی که نیاز انسان به او نامحدود و بی‌نهایت است و هر چه و هر قدر انسان بخواهد به او می‌دهد، «لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ» (ق: ۳۵). موجودی که هیچ حجاب و مانعی بین او و بنده‌اش وجود ندارد و هر وقت انسان بخواهد می‌تواند با او ارتباط برقرار کند؛ چنان که خود فرمود: «أَنَا جَلِيسٌ مِّنْ ذِكْرَتِي» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۳، ص ۳۲۲)؛ و همچنین موجودی که هیچ نقص و

منابع.....

- ابن فارس، احمد بن زکریا، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- ازهری، محمد بن احمد، ۱۴۲۱ق، *تهذیب اللغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- بستانی، فؤاد افرام، ۱۳۷۵، *فرهنگ ابجدی*، چ دوم، تهران، اسلامی.
- جان‌نثاری حسن، ۱۳۹۱، *چیستی و مبانی کمال نهایی از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، *فطرت در قرآن*، قم، اسراء.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ط. الثانیه، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- عمید، حسن، ۱۳۶۰، *فرهنگ عمید*، چ سوم، تهران، امیرکبیر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *کتاب العین*، قم، هجرت.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس*، بیروت، دار الفکر.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۱، *به سوی خودسازی*، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۲، *به سوی او*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۳، *به سوی تو*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۴، *الف، اخلاق در قرآن ۲*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۴، *ب، شرح برهان ثفا*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۸۷، *خودشناسی برای خودسازی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۰، *سجاده‌های سلوک*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۱، *الف، اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۱، *ب، پیش‌نیازهای مدیریت*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۱، *ج، رساترین دادخواهی و رؤسنگری*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۴، *فلسفه اخلاق*، چ سوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۴۳۰ق، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چ سوم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- معین، محمد، ۱۳۷۱، *فرهنگ معین*، چ هشتم، تهران، امیرکبیر.

- ج) نقش زمینه‌ای (عامل ترجیح لذت‌های عالی در تزامن میان لذت‌ها) لذت عقلی که موجب تلاش برای کسب علم می‌شود و شناخت صحیح موجب می‌شود که انسان در هنگام تزامن لذت‌ها، با عبور از لذت کم‌اهمیت‌تر زمینه رسیدن انسان به لذت روحی را فراهم می‌آورد که کمال انسان را در پی دارد.
۴. لذت وهمی دو نقش در کمال انسان دارد:
- الف) نقش مثبت: حفظ حالت مکاشفه و مشاهدۀ جلوه الهی از طریق صورت وهمی آن در نفس انسان، زمینه درک تجلیات و کمالات بیشتر را فراهم می‌کند.
- ب) نقش منفی: ایجاد مزاحمت برای نفس انسان و سلب سکون و آرامش آن در راه رسیدن به کمال.
۵. لذت روحی دو نقش در کمال انسان دارد:
- الف) نقش انگیزشی، که قوی‌ترین انگیزه انسان برای رسیدن به کمال حقیقی است که عالی‌ترین و بادوام‌ترین لذت‌ها را برای او در پی دارد.
- ب) نقش مدیریتی، که لذت روحی انسان با جهت‌دهی صحیح به لذت‌های دیگر موجب شکوفایی آنها به‌عنوان کمال مقدماتی برای لذت‌های اصیل روحی می‌گردد؛ یعنی با مدیریت لذت‌ها هم استعداد لذت‌های مقدماتی را شکوفا می‌کند و هم زمینه شکوفایی استعداد لذت‌های اصیل را فراهم می‌کند.